

۲۰۳۸۸۹۰

هوالعلیم

بیاخاستن برای افسانیت

حکمه مسئولیت پذیری موجب
تحیرات شگرف در زندگی می شود

جان ایزو

مترجمان: امیر محمد پهلونژاد، دکتر علی صاحبی



سرشناسه: ایزو، جان بهتست، ۱۹۵۷ - م. Izzo, John B. (John Baptist)

عنوان و نام پدیدآور: به پا خاستن برای انسانیت: چگونه مسئولیت‌پذیری موجب تغییرات شگرف در زندگی می‌شود؟

جان ایزو؛ مترجمان امیرمحمد پهلونژاد، علی صاحبی.

مشخصات نشر: تهران: دانژه، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۰-۲۳۴-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Stepping up: how taking responsibility changes everything, 2012.

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار با عنوان «مسئولیت‌پذیری و به پا خاستن برای تغییر» در سال ۱۳۵۹ با ترجمه

ناصر فیروزی و اکرم حاطمی توسط رسا منتشر شده است.

موضوع: رفتار سازمانی - Organizational behavior

موضوع: تحول سازمانی - Organizational change

موضوع: تحولات اجتماعی - Social change

موضوع: رهبری - Leadership

شناسه افزوده: پهلونژاد، امیرمحمد، مترجم

شناسه افزوده: صاحبی، علی، ۱۳۴۳، مترجم

رده بندی کنگره: BJ ۱۴۵۱

رده بندی دیویی: ۱۷۹/۹

شم کتابشناسی ملی: ۵۷۲۸۵۸۹

عنوان: به پا خاستن برای انسانیت

نویسنده: جان ایزو

مترجمان: امیر محمد پهلونژاد، علی صاحبی

کتاب‌آرا: فرزانه هاشمیان

مدیر تولید: داریوش سازمان

ناشر: دانژه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاووش / ایده‌آل

شمارگان: ۵۵۰ نسخه / قطع: رقعی

نوبت چاپ: پنجم ۱۴۰۱ / ششم ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۰-۲۳۴-۶

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران: خیابان استاد مطهری - خیابان سلیمان خاطر (امیراتابک)، کوچه اسلامی، شماره ۴/۲

کدپستی: ۱۵۷۸۶۳۵۸۱۱ صندوق پستی: ۴۱۴۶-۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۸۸۴۶۱۴۸ - ۸۸۸۴۲۵۴۳ تلفکس: ۸۸۸۱۲۰۸۳

تلفن دفتر پخش: ۶۶۴۷۶۳۷۵ - ۶۶۴۶۲۰۶۱ فکس: ۶۶۴۷۶۳۸۹

قیمت: ۲۳۰۰۰۰ تومان



فهرست

۷.....	مقدمه مترجمان
۱۳.....	پیشگفتار
۱۷.....	مقدمه
۲۵.....	فصل اول: محدوده پنج ردیفی مسئولیت پذیری
۳۰.....	بپاخیزیم: بازپس گیری قدرت خود برای ایجاد تغییر
۳۶.....	موج مسئولیت پذیری
۳۷.....	ایستادگی در مقابل مافیای ناپل
۳۹.....	موج مسئولیت پذیری در زندگی روزمره
۴۲.....	تحقیق «چراغ های سالن سینما»
۴۲.....	شیوه های بپاخاستن
۴۵.....	فصل دوم: وظیفه من نیست، تقصیر من نیست
۴۶.....	کانون کنترل: شما قربانی هستید یا پیش قدم؟
۴۸.....	جامعه قربانی
۵۰.....	کنترل درونی یا کنترل بیرونی؟
۵۲.....	شیوه نگرش شما پویاست یا ایستا؟
۵۵.....	با اقدام کردن و مسئولیت پذیرفتن مغزتان را تغییر دهید
۵۶.....	آیا می خواهید قربانی باشید یا بازیگر زندگی خود
۵۷.....	شیوه های بپاخاستن

- فصل سوم : من فقط یک نفرم ۵۹
- قدرت اثربخشی جمعی: چرا تصور می‌کنیم نمی‌توانیم اوضاع را تغییر دهیم ۶۰
- اگر بپاخیزیم و هیچ چیز تغییری نکند، چه؟ ۶۳
- برای بپاخاستن سرم بسیار شلوغ است! ۶۶
- دیگران باید این کار را انجام دهند ۶۷
- شیوه‌های بپاخاستن ۷۰

- فصل چهارم : فقط انسان‌های ساده و بی‌تکلف دنیا را تغییر می‌دهند ۷۱
- همه چیز با یک چشم‌انداز آغاز می‌شود ۷۶
- متحول کردن - رسته‌های مرکزی شهر در ایالات متحده ۷۸
- باوری ساده و بی‌... در ... کی روزمره ۸۱
- شیوه‌های بپاخاستن ۸۳

- فصل پنجم : صد درصد مسئولیت پذیر، بدون هیچ بهانه‌ای ۸۵
- خانمی که برای شکست خوردن همه نوع بهانه‌ای داشت، اما شکست نخورد ۸۸
- چگونه صد - صفر همه چیز را تغییر می‌دهد ۹۳
- پایداری ۹۷
- شیوه‌های بپاخاستن ۹۹

- فصل ششم : کاری بکنید... هر کاری ۱۰۱
- دگرگون کردن پرخشونت‌ترین مکان روی زمین ۱۰۲
- چگونه گروهی کوچک از کارکنان، بیمارستانی را دگرگون کردند ۱۰۵
- در عمل کاری بکنید ۱۰۸
- شیوه‌های بپاخاستن ۱۱۱

- فصل هفتم : همیشه از جایی که حضور دارید شروع کنید ۱۱۳
- از جایی که هستید شروع کنید، کاری را که می‌توانید انجام دهید ۱۱۸

- ۱۱۹..... بپاخاستن یعنی دیدن فرصت‌ها در هر جای ممکن
- ۱۲۲..... بهترین نقش را کجا می‌توانی ایفا کنی؟
- ۱۲۳..... ناامیدی و امید در هائیتی.....
- ۱۲۶..... شیوه‌های بپاخاستن.....

- ۱۲۷..... فصل هشتم: راهبری یک مقام نیست!
- ۱۳۰..... شما نمی‌توانید راهبری «نکنید».....
- ۱۳۲..... داستان پشت پرده نوشدنی فراپوچینو استارباکس.....
- ۱۳۴..... چگونه یک کارمند میسر: ماس، یک مشتری دائمی جذب کرد.....
- ۱۳۷..... بپاخاستن، وقتی نظاره دری وجود ندارد.....
- ۱۳۸..... شیوه‌های بپاخاستن.....

- ۱۴۱..... فصل نهم: بپاخاستن با بیان شفاف حرفه خود.....
- ۱۴۲..... افسانه چاپلوسی.....
- ۱۴۵..... چرا شفاف صحبت کردن مهم است.....
- ۱۴۸..... اگر حرف خوبی برای گفتن ندارید.....
- ۱۵۲..... شفاف صحبت کنید؛ زندگی شما در خطر است!.....
- ۱۵۳..... شیوه‌های بپاخاستن.....

- ۱۵۵..... فصل دهم: من کی هستم که اقدام کنم؟.....
- ۱۶۳..... آن قدر که شوق مهم است، مهارت اهمیت ندارد.....
- ۱۶۴..... کمک کردن به خانم‌ها برای رهایی از فقر، هر بار یک عدد منجوق.....
- ۱۶۷..... دو صدا.....
- ۱۶۹..... شیوه‌های بپاخاستن.....

- ۱۷۱..... فصل یازدهم: ایجاد فرهنگ «بپاخاستن».....
- ۱۷۴..... اگر افراد سهمی کوچک در کاری داشته باشند، پیامیخیزند، ...

۱۷۷	مشارکت دادن اعضای خانواده در تصمیم گیری ها
۱۷۸	اگر به انسان ها مسئولیت ندهیم، مسئولانه رفتار نخواهند کرد
۱۸۱	برخی شیوه های مؤثر برای بازداشتن آدم ها از بپاخاستن
۱۸۳	فقط به فکر نتیجه نباشید، از تلاش ها نیز قدردانی کنید
۱۸۶	به اسب ربطی ندارد!
۱۸۸	کاربست های اجتماعی
۱۹۱	شیوه های بپاخاستن
۱۹۳	فصل دوازدهم: «یک نفر» همیشه اهمیت دارد
۱۹۷	یا بپاخیز! ... با پشیمانی و افسوس زندگی کنید
۲۰۰	خُب... شما یک انتساب دارید
۲۰۳	مفاهیم کلیدی کتاب
۲۰۶	درباره نویسنده و مترجمین
۲۰۸	منابع

مقدمه مترجمان

وقتی حضور خود را دریافتم
دیدم تمام جاده‌ها از من
آغاز می‌شود

(شفیعی کدکنی)

اگر از ما پرسند بزرگ‌ترین معضل جامعه کنونی ما چیست، بی‌درنگ پاسخ می‌دهیم: «مسئولیت‌گریزی»، و اگر نخواهیم برای درمان آن طلب کنند می‌گوییم: «مسئولیت‌پذیری». تک‌تک افراد جامعه در موقعیت فردی خود؛ به این معنا که اگر هر کسی در هر جا، چه خانه، چه محل کار و چه اجتماع، با ظلم، اجحاف، سوءرفتار، قانون‌شکنی و سوءاستفاده از یک انسان و یا امکانات جامعه روبه‌رو شد، لازم است برای دفع شر پیش‌قدم شود و اخلاقی و مسئولیت‌پذیرانه بپاخیزد و دست به اقدام بزند. البته شرط لازم چنین اقدامی رفتار مسئولیت‌پذیرانه و اقدام مستقیم خود فرد است. اگر همه افراد جامعه از کودک تا بزرگسال، یاد بگیرند، به‌جای آنکه منتظر اقدام دیگران باشند، در حد توان خود، در برابر هر نوع رفتار خارج از انصاف و قانون پیش‌قدم شوند و بپاخیزند، آن‌گاه شرایط زندگی فردی و اجتماعی همه جهانیان بسیار بهتر از این خواهد شد.

اما نگرش و طرز فکر بیشتر مردم ما این گونه نیست. خیلی ها هر روز در خیابان، وسایل نقلیه و جمع های رسمی یا دوستانه از ما می پرسند: چرا اوضاع جامعه چنین است؟ آیا وضعیت همین طور باقی خواهد ماند؟ کی اوضاع بهبود می یابد؟ و پاسخ ما این است: «هروقت که تک تک ما برای بهتر شدن اوضاع، در هر شرایطی که با ناسامانی روبه رو می شویم، پیش قدم شویم و "پیاخیزیم" حتماً اوضاع بهتر می شود و شرایط بهبود می یابد». ولی اگر همچنان منتظر بنشینیم و منفعلانه منتظر بمانیم که دیگران کاری کنند، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. ما بر این گفته باور داریم و ترجمه این کتاب را نیز به همین منظور انجام داده ایم.

در این کتاب، همان ایزو، نویسنده گران قدر حوزه توسعه شخصی و سازمانی، به موضوع مسئولیت پذیری و نقش آن در اصلاح خانواده، سازمان و اجتماع پرداخته است. ایزو برای تبیین بهتر این مسئله به روایت زندگی افراد معدودی ای پرداخته که با پیش قدم شدن، به سادگی توانسته اند فلک را سقف بشکافند و طرحی تو در اندازند. امیدواریم ترجمه این کتاب به اندازه بال پشه ای باعث افزایش حس مسئولیت پذیری در افراد جامعه ما شود و همه ما را ترغیب کند تا در شرایط نامناسب و غیر اخلاقی، منفعلانه نگذاریم که بگذرد، بلکه با پیش بگذاریم و باعث تغییری هر چند کوچک در جامعه انسانی شویم. ما فایده معتقدیم که اگر هر کدام از ما در همان جایی که ایستاده ایم، ده درصد اخلاقی تر، ده درصد آگاهانه تر، ده درصد مسئولیت پذیرتر، ده درصد باجرت تر و ده درصد صادقانه تر رفتار و اقدام کنیم، با اجتماع و دنیای کاملاً متفاوت و از همه نظر بهتر روبه رو خواهیم شد. شما را به خواندن، تأمل و اقدام در راستای زندگی افراد داستان های این کتاب دعوت می کنیم. خودمان نیز تمام تلاشمان را می کنیم تا در هر جا که هستیم برای تغییرات خوب و

بهبود شرایط انسانی پیش قدم شویم.

در اینجا جا دارد از عزیزانی که در ترجمه و آماده سازی این کتاب ما را یاری کردند، به صورت ویژه، سپاسگزاری کنیم. خانم مهتاب منوچهری، همکار نازنینمان در مؤسسه انتخاب ایران، زحمت بازخوانی و اصلاح دست نوشته اولیه را برعهده داشتند و کمک شایانی به روانی متن کتاب کردند؛ جناب آقای امیرحسین حیدری عزیز، ویراستار محبوب ما، مثل همیشه سطح ترجمه ما را ارتقا دادند و دوست بزرگوار و ناشر فرهیخته ما جناب آقای علی حسین سازمند، مدیر محترم نشر دانژه و گروه خوب و خوش قریحه سان، هر چون گذشته، یاری مان کردند. از همه این عزیزان صمیمانه تشکر می کنیم.

بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

امیر معتمدی، بلونژاد
دکتر علی معتمدی
آبان ۱۳۹۷

پیشگفتار

کتاب بپاخاستن جان ایزو یکی از کتاب‌هایی است که دارای پیامی قوی است، کتابی که می‌تواند برای هر کسی که نسبت به آن باز و پذیرا باشد، دارای فایده و سودمندی باشد. پیام جان ایزو بطور خلاصه این است، "بپاخاستن یعنی دیدن یک نیاز و گرفتن این تصمیم که شما همان انسانی هستید که قرار است کاری برای آن مسئله یا نیاز انجام بدهید." این تعبیر و پیام در زمان بسیار درستی مطرح شده است، زمانی که دنیا بیش از گذشته به چنین انسان‌هایی نیاز دارد که چنین کاری انجام بدهند، یعنی بپاخیزند.

من هر روز با سازمان‌ها کار می‌کنم، و چیزی که کشف کرده‌ام این است که خیلی اوقات در طی یا بعد از یک بحران، بپاخاستن خیلی اتفاق نمی‌افتد. بسیار اتفاق می‌افتد که افراد انگشت اتهام را به سمت یکدیگر می‌گیرند، یکدیگر را سرزنش می‌کنند، و مسئولیت کارها را به گردن دیگران می‌اندازند. مثلاً می‌گویند: "این تقصیر مدیر عامل بوده؛ تقصیر افراد تیم

بوده؛ تقصیر رئیس بوده." دقیقاً در منزل نیز پس از یک بحران همین اتفاق می‌افتد. یعنی همسر، سگ، بچه‌ها، آبپاش‌های داخل حیاط مورد سرزنش قرار می‌گیرند. تعداد بسیار کمی از آدم‌ها هستند که در چنین مواقعی انگشت مسئولیت‌پذیری را به سمت خودشان می‌گیرند. انسان‌ها بیشتر تمایل دارند تا مسئولیت مسائل را به گردن دیگران بیاندازند تا اینکه بخواهند خودشان آن را بپذیرند.

حقیقت این است که انداختن مسئولیت به گردن دیگران باعث نمی‌شود تا شخصیت شما ساخته شود یا به شما این فرصت را نمی‌دهد که از اشتباهات خود یاد بگیرید. خلاصه کلام، این کار (مسئولیت‌گریزی) شما را غنی و توانگر نمی‌کند. این عیب رفتاری (مسئولیت‌گریزی)، یک صفت و جنبه منفی قابل‌ترجم است، درست به همان اندازه‌ای که شجاعت و کاردانی خصلت‌های مثبت ذهنی قابل توجه شما هستند. راهبری که نتواند اشتباهش را بپذیرد، مسئولیت آن را به گردن بگیرد، فرد مناسبی برای راهبری نیست و دیگران به او اعتماد نخواهند کرد و از او پیروی نمی‌کنند. بهر حال، دیگران وقتی رفتارهای مسئولیت‌گريزانه از راهبر ببینند، شخصیت، قابلیت اعتماد و اطمینان‌پذیری، و صداقت و وظیفه‌شناسی راهبر را مورد سوال قرار می‌دهند، و وفاداری خود را از او بر خواهند داشت.

شما افرادی را می‌شناسید که مسئولیت‌پذیر هستند - آیا عالی نیست که چنین انسان‌هایی در اطراف ما باشند؟ این انسان‌ها کارهایی مثل بیشتر کمک کردن و کمتر قضاوت کردن را انجام می‌دهند. آن‌ها تلاش می‌کنند تا مردم روی آینده‌ای که می‌توانند اثرگذار باشند تمرکز کنند، و نه روی گذشته‌ای که نمی‌توانند تغییر بدهند. آن‌ها به دیگران کمک می‌کنند تا مسئولیت رفتار خود را بپذیرند. آن‌ها روی رخدادهای گذشته تامل می‌کنند

و این سوال را می‌پرسند، "چه چیزی می‌توانیم از آن رخداد بیاموزیم؟" این افراد (انسان‌های مسئولیت‌پذیر) وقتی عصبانی هستند یا از کنترل خارج شده‌اند، صحبت نمی‌کنند و دیگران را نیز به انجام این کار ترغیب می‌کنند. و آن‌ها قبل از آنکه حرف بزنند، فکر می‌کنند، و از خودشان می‌پرسند، "آیا چیزی که می‌خواهم بگویم کمکی می‌کند یا اوضاع را بهتر می‌کند؟"

شما در این کتاب درباره انسان‌ها و گروه‌های زیادی می‌خوانید که همه این کارهای مسئولانه را انجام می‌دهند، چگونه مسئولیت‌پذیری را هدایت می‌کنند، و فرهنگی را رشد داده و به عمل می‌آورند که رفتارهای مسئولانه در آن یک هنجار است. شما همچنین می‌توانید بیاموزید تا بیشتر مانند آنها بشوید، البته اگر همین الان این‌طور نباشید. کتاب پیاخاستن یک وصیت‌نامه شگفت‌انگیز برای آن دسته از افراد و تیم‌هایی است که پیامیخیزند! تشویقتان می‌کنم که این کتاب را بخوانید. از آن لذت ببرید - و اگر بخاطر این کتاب قدری تغییر کردید، آن هم خوب خواهد بود. زندگی خوب است.

مارشال گلداسمیت

کوچ سازمانی و مدیریت ارشد و نویسنده کتاب‌های پرفروش "موجو" و "چیزی که تو را به اینجا رسانده تو را به آنجا نخواهد رساند" از نگاه مجله نیویورک تایمز

مقدمه

این کتاب برای همه کسانی است که می‌خواهند در اجتماع خود، سازمانی که در آن کار می‌کنند یا تمام دنیا تغییرات بزرگ‌تری ایجاد کنند. همچنین برای آن‌هایی است که می‌خواهند ازدواج بهتر یا آینده شغلی و حرفه‌ای موفق‌تری داشته باشند. این کتاب مخصوص همه مدیران و صاحبان کسب‌وکار است که دوست دارند کارکنانشان همچون صاحبان کار رفتار کنند. این کتاب برای همه کسانی است که به مدت تک‌تک افراد برای ایجاد تغییر معتقدند و یا برای پذیرش چنین باوری اندوگی دارند. نگارش این کتاب را وقتی ده‌ساله بودم آغاز کردم. در آن زمان برنامه‌های تلویزیون پر بود از تصاویر کسانی که به دلایل مختلف برای ایجاد تغییری جدی پناخته و پیش قدم شده بودند و در تمام نقاط دنیا افرادی پیدا می‌شدند که با پذیرش خطرهای بزرگ، به دنبال آن بودند که دنیا را به مکانی بهتر برای زندگی تبدیل کنند. آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار در خیابان‌های جنوبی در برابر شیلنگ‌های آب فشار قوی پلیس مقاومت

می کردند؛ فعالان صلح صدای اعتراض و اخطارشان را در ارتباط با رقابت تسلیحات اتمی، به گوش همه می رساندند؛ مخالفان رژیم های دیکتاتوری و تمامیت خواه، با صدای بلند اعتراض می کردند و زنان به عنوان شهروندان برابر، خواستار حقوق یکسان با مردان بودند. روزی تصمیم گرفتم روزنامه نگار شوم تا بتوانم داستان آن هایی را که به بهبود شرایط کمک کردند و باعث تغییر شدند را به نگارش در آورم.

در زندگی محدودتر شخصی ام با توجه کامل به خطبه های واعظ محترم کلیسا، رابرت کلی، در کلیسای پروتستان کالوری شهر نیویورک گوش می سپردم که همه ما را تشویق می کرد تا در برابر نژادپرستی و آسیب های اجتماعی زمانه همدیگر، که می توانیم انجام دهیم. پیام و موعظه او این بود: «ما منتظر پیاخاستن ماست».

او می گفت: «فقط مسال» بزرگ اجتماعی نیست که به تغییر و بهبود نیاز دارد، بلکه دنیای کوچک تر و جایی که هر روز با آن سروکار داریم و در آن زندگی می کنیم نیز به شدت به تغییر و بهبود نیاز دارد. دنیایی که در آن می توانیم تغییرات بزرگی در زندگی دیگران ایجاد کنیم».

همیشه مجذوب داستان زندگی کسانی بودم که باخاسته اند و شرایط موجود را بهتر کرده اند. هزاران سال است که ما انسان ها از داستان ها می آموزیم و داستان ها را بسیار بیشتر و عمیق تر از موعظه ها، کلاس های درس به یاد می سپاریم. به همین دلیل است که زندگی ام را وقف داستان گویی های گوناگون کرده ام. در آن دسته از کتاب هایم که به فرهنگ سازمانی می پردازم، داستان سازمان ها و راهبران بزرگ را نقل می کنم؛ راهبرانی که الهام بخش و ایجادکننده شور و شوق در سازمان هایشان بوده اند. در کتاب و مجموعه مستند تلویزیونی پنج رازی که پیش از مرگ باید

کشف کنید،^۱ داستان زندگی ۲۵۰ نفر را که بین ۶۰ تا ۱۰۶ سال سن دارند را نقل کرده‌ام؛ انسان‌هایی که بر اساس معیارهای علمی، خشنودی واقعی را در زندگی خود یافته‌اند. امیدوار بودم با نقل داستان‌های آنان، راه رسیدن به شکوفایی پایدار را نشان دهم.

این کتاب، پس از انتشار، به یکی از کتاب‌های پرفروش تبدیل و به بیش از دوازده زبان نیز ترجمه شد. پس از آن، به نظرم رسید جا دارد داستان دیگری را روایت کنم. با خود می‌گفتم: چرا از میان مردم، فقط آن‌هایی که پیش قدم می‌شوند و پامی‌خیزند باعث ایجاد تغییرات بزرگ می‌شوند؟ مسئولیت‌پذیری شخصی، چه نقشی در ایجاد خشنودی و تغییر دارد؟ آیا داستان آن‌هایی که پی‌داشته‌اند راهی را بر ما می‌گشاید که به موضوعات بزرگ روزگار خود بر اثر پی‌دازیم؟ چه در ارتباط با ساختن خانواده‌ای بهتر باشد، چه مربوط به جلوگیری از زورگویی و قلدری در مدارس، چه مرتبط با بهبود زندگی زناشویی، یا دیگر رابطه‌های متقابل، چه مربوط به توسعه سازمان‌ها و چه مربوط به برطرف کردن یکی از موضوعات متعدد اجتماعی که با آن دست به‌گریبانیم؟

کم‌کم دریافتیم که همه این موضوعات در مسخرات‌پذیری ریشه دارد. در این کتاب، تعریف «پیاخاستن» ساده است: «پیاخاستن، یعنی هرگاه متوجه نیازی می‌شوید، تصمیم می‌گیرید برای آن نیاز کار مفیدی انجام دهید». پیاخاستن یعنی برای کاری که در حیطه توانایی شماست و با انجام دادن آن می‌توانید تغییری ایجاد کنید، پیش‌قدم شوید؛ نه اینکه منتظر دیگران باشید. مسئولیت‌پذیری مورد نظر من اشاره‌ای آمرانه به پیاخاستن نیست، بلکه توصیه‌ای توانمندساز است که به ما می‌گوید، به جای نگرانی از اینکه دیگران مشغول به چه کاری هستند، از خود بپرسیم چه کار می‌توانیم بکنیم

تا شرایط تغییر کند؟ فقط زمانی قادر خواهیم بود در خانواده، سازمان و دنیای خود تغییر ایجاد کنیم که از خود شروع کنیم و همه تمرکزمان را روی کاری که خودمان می‌توانیم انجام دهیم، بگذاریم.

از آنجا که معتقدم بهترین یادگیری‌های ما با کمک داستان‌ها شکل می‌گیرد، تحقیقاتم را برای تدوین این کتاب، بر پیدا کردن داستان انسان‌هایی متمرکز کردم که برای ایجاد تغییر پیاخاسته‌اند. نمی‌خواستم داستان‌هایی را نقل کنم که همگی قبلاً شنیده‌ایم و یا به تکرار داستان انسان‌های مشهور بپردازم. به جای آن، شروع کردم به یافتن داستان‌هایی که تعداد کمی از ما آن‌ها را شنیده بودیم. این داستان‌ها قدرت‌هایی باورنکردنی را تصویر می‌کنند و نشان می‌دهند اگر تصمیم بگیریم در حیطه اثرگذاری خود وارد عمل شویم، باعث ایجاد تغییرات خوبی می‌شویم. سعی کردم به جای یافتن نمونه‌های علمی تصادفی از افرادی که پیاخاسته بودند، انسان‌هایی را پیدا کنم که داستان اقداماتشان و سعی در آموزنده است. داستان‌ها طیف گسترده‌ای از انسان‌ها و اقداماتشان را در بر می‌گیرد؛ داستان فردی بی‌خانمان که انقلابی در بازیافت مواد ایجاد کرد؛ داستان نازهداری ایتالیایی که در مقابل مافیا ایستاد؛ داستان پرستاران و کارمندان خدماتی بیمارستانی که کمک کردند تا تصویر و وجهه بیمارستان تغییر کند و داستان زنی که کمک کرد کسب‌وکار ورشکسته و تقریباً نابودشده‌ای دوباره زنده شود و زنده شود. بعضی‌ها سعی می‌کردند دنیا را نجات بدهند؛ بعضی‌ها تلاش می‌کردند کسب‌وکار خود را توسعه و بهبود بخشند؛ بعضی‌ها فقط می‌خواستند بر انسان‌های پیرامونشان تأثیری مثبت داشته باشند و بعضی‌ها نیز به دنبال روابط انسانی بهتر بودند.

این کتاب دو محور اصلی دارد: ۱. ارزش مسئولیت‌پذیری؛ ۲. چگونه می‌توان پیاخاست. سه فصل اول کتاب به اهمیت و ارزش مسئولیت‌پذیری

می‌پردازد. قصدم موعظه شما نیست، بلکه می‌خواهم نشان دهم، به جای آنکه انگشت سرزنش را به سمت دیگران بگیریم یا منتظر اقدام دیگران باشیم، خودمان اقدام کنیم و اقداماتمان را از درون خود آغاز کنیم. آن‌گاه خواهیم دید که زندگی، حرفه، روابط، سازمان‌ها و اجتماع‌مان چگونه به‌طور اساسی تغییر خواهد کرد. اصول آن ساده، ولی ژرف است. وقتی تصمیم بگیریم در جایی که هستیم، کاری را که می‌توانیم انجام دهیم و منتظر اقدام دیگران نمانیم، احساس قدرت بیشتری می‌کنیم و به دستاوردهای بیشتری نیز می‌رسیم. بیش از آن و فراتر از زندگی شخصی‌مان، اکثر مسائل بزرگ زمانه ما قابل حل‌اند؛ فقط به این شرط که هر یک از ما در حیطه قدرت و نفوذ خود، تصمیم بگیریم دست به اقدام بزنیم.

محور دوم کتاب به انسان‌های کلیدهایی بپاخاستن و اثرگذاری بیشتر اختصاص دارد. به واسطه داستان‌های الهام‌بخش انسان‌هایی منحصر به فرد که برای بهتر کردن اوضاع اطرافشان بپاخاستند، امیدوارم به شما نشان دهم که بپاخاستن نه یک راز بزرگ است و نه منحصر به تعداد اندکی از افراد منتخب و خاص. با الگو قرار دادن این انسان‌ها، ما نیز می‌توانیم بپاخیزیم و در روابط انسانی، سازمان‌ها و اجتماع خود باعث بهبود و تغییر شویم. سرانجام، به شما نشان خواهم داد که چگونه می‌توانیم در سازمان، خانواده و جامعه خود فرهنگ بپاخاستن را ایجاد کنیم. در پایان سر گفتار، راه‌های عملی بپاخاستن و مسئولیت‌پذیری در لحظه را پیشنهاد خواهم کرد.

همان‌طور که اشاره کردم، داستان‌های این کتاب از مصاحبه‌های شخصی با افرادی به دست آمده که داستان‌هایشان را در کتاب آورده‌ام. در پایان کتاب نیز فهرستی از موضوعات کلیدی مطرح شده در بخش‌های مختلف را آورده‌ام.

برای من این اثر بیش از یک کتاب است و امیدوارم بخشی از یک

جنبش باشد. در حال حاضر، بیش از هر زمان دیگر، نیازمندیم که انسان‌ها بپاخیزند؛ نیازمندیم که دست از سرزنش دیگران و شرایط برداریم و به درون خود و تأثیری که می‌توانیم بر اطرافمان بگذاریم، بنگریم. امیدوارم که این کتاب و داستان‌های موجود در آن الهام‌بخش شما برای بیان داستان‌های خودتان شود. به این منظور، شما می‌توانید مانند دیگرانی که نیازی را دیدند و تصمیم گرفتند اقدام کنند، داستان‌های خود را با من در میان بگذارید:

جان ایزو

www.ketab.ir